



۱۸۵

# همبستگی هفتگی

۵ فروردین ۱۳۸۴

۲۵ مارس ۲۰۰۵

نشریه هفتگی فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی

Www.hambastegi.org

جمعه ها منتشر میشود

پناهندگی حق هر کسی است که از اسلام سیاسی و استبداد و بی حقوقی میگریزد

## افق موفقیت در ترکیه و استرالیا

فرشاد حسینی

هفته گذشته در زیر فشارهای جنبش جنبش دفاع از پناهندگی است که در کشورهای دیگر در بلاتکلیفی و پناهندگی، دولت‌های ترکیه و در ترکیه و استرالیا که به دل کابینه سردرگمی بسر برند را برجسته استرالیا چرخش‌هایی در سیاست دولت نفوذ کرده و منجر به تغییر ساخته و آنها را برای تغییر و بهبود های پناهندگی خود و نسبت به ناخواسته سیاست‌هایشان میشود. واقعی در زندگی شان فعال تر و پناهجویان انجام دادند. چرخشی که مروری بر روند مبارزه و موفقیت در متحدتر و متشکل تر سازد. زندگی و موقعیت فلاکت بار صدها این دو کشور میتواند جنبه های پناهجو را در این دو کشور تغییر درخشان و امید بخش تجارب این می دهد. بار دیگر اراده و عزم قوی مبارزات برای کلیه پناهجویانی که

ادامه در صفحه ۳

## استقبال بی نظیر مردم سوئد از غرفه اطلاعاتی فدراسیون در یوتوبوری

در ادامه کمپین فدراسیون در مرکز شهر یوتوبوری به منظور سوئد غرفه اطلاعاتی دایر دفاع از حق پناهندگی در سوئد جلب توجه افکار عمومی به گردید. از روز سه شنبه ۲۲ مارس در وضعیت دردناک پناهجویان در این غرفه باندرولهایی با ادامه در صفحه

## در اعتراض به مرگ یک پناهجو در بازداشتگاه پلیس آلمان

چه کسانی باعث مرگ "اوری یانوح" پناهجوی ۲۱ ساله از سیرالئون شدند؟

روز ۷ ژانویه در زندانی در "دسانو" العملی به این واقعه نشان نداده و تا شهری در نزدیک برلین، یک کنون علت آتش سوزی و علت این پناهجوی جوان از سیرالئون در رفتار پلیس اعلام نشده است. فقط حالیکه دست و پایش را بسته در یک دادگاه، بررسی شکایت از بودند، در میان شعله های آتش دو پلیس آلمانی حاضر در محل سوخت و جان باخت. پیگیری میشود و ظاهرا مقامات پلیس در این بازداشتگاه عکس دولت در

ادامه در صفحه ۴

## اقامت جدید پناهندگان شمال عراقی در ترکیه مبنایی برای پیشرویهای بعدی

گروه ۱۰۷۰ نفری پناهندگان یک خارجی بلکه بعنوان کرد ایرانی که از سال ۲۰۰۱ پناهندگانی که بطور موقت تا ۲۰۰۴ از کردستان عراق در ترکیه اقامت خواهند وارد ترکیه شده بودند، داشت تا سازمان ملل آنها را بالاخره از بلاتکلیفی به کشورهای پناهنده پذیر درآمدند و دیروز دولت ترکیه انتقال دهد. اقامت این گروه را بمدت ۶ کلیه این پناهندگان از زمان ماه دیگر تمدید نمود اما نه ورود به ترکیه خود را ابتدا به برخلاف سال گذشته و بعنوان دفتر ادامه در ص ۲

### یورش اداره مهاجرت استرالیا به مدارس سیدنی

ص ۲

### سازمانهای مدافع حقوق کودک کجا هستند؟

در حاشیه یورش به مدارس سیدنی بابک شدیدی

ص ۵

### ما زیادیم، نباید خاموش باشیم. پای صحبت زهرا کاملی

ص ۵

پای درد دل پناهجویان در مراسم روز ۸ مارس فرانکفورت

گزارشی از شمه صلواتی

ص ۸

نمایش برابری در میدان شهر استکهلم ۸ مارس ۲۰۰۵

گزارشی از سیامک بهاری

ص ۷

هلند با ما چه میکند

محمد فاضل

ص ۶

پناهندگان زیر آتش وزرای هلند

کیوان قدیری

ص ۶



با سرکوب خونین انقلاب و تحمیل یک زندگی فوق ارتجاعی به مردم، دهها هزار انسان گریخته از دست جمهوری اسلامی تنها و بدون تشکل راهی بسوی امنیت و آرامش در ویرای مرزهای ایران می جستند. متشکل کردن این موج عظیم انسانی حول مدرن ترین و انسانی ترین دست آوردهای بشری، دفاع بی قید و شرط از حق پناهندگی مردم ایران و قرار دادن این مردم در کنار مبارزات انسان دوستانه و کارگری در غرب علیه راسیسم، فاشیسم، نابرابری اجتماعی، ایجاد سازمانی غیرحزبی و فرامحلی بدون نظر گرفتن ملیت، مذهب، جنسیت و تعلق تشکیلاتی را به یک ضرورت فوری تبدیل می کرد. همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی پاسخ منصور حکمت به این ضرورت بود. بقول او: " همه داستان زندگی ما تغییر زندگی انسان است."

## اقامت جدید پناهندگان شمال عراقی در ترکیه مبنایی برای پیشرویهای بعدی

به هیئت و کشورهای پناهنده پذیر قرار داده و بطور جدی برای حل مشکل این گروه بکوشد. همچنین در ادامه فعالیتهای بین المللی فدراسیون در سطحی گسترده و فشار به سازمان ملل و کشورهای

پناهنده پذیر برای پذیرش و انتقال این گروه، بزودی هیئتی از دبیرخانه فدراسیون با اتحادیه اروپا، دولت ترکیه و ۴ کشور پناهنده پذیر غیر اروپایی نشستهای مفصل خواهد داشت تا به وضعیت این گروه در ترکیه خاتمه دهد.

**فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی واحد ترکیه**

۲۴ مارس ۲۰۰۵

فدراسیون این اقدام دولت ترکیه را برای رسمی نمودن اقامت این گروه مثبت می داند و همچنین بهانه سازمان ملل دفاتر ژنو و آنکارا هم برای انتقال کل این گروه به کشورهای پناهنده پذیر را که قبلا از طرف این سازمان بعنوان "ندان خروجی از طرف دولت ترکیه" اعلام مینمود را عملا برداشته و انتظار داریم که سازمان ملل بهانه خروجی ندان دولت ترکیه را مبنایی برای ازسر گرفتن پروسه معرفی این گروه

دیروز وزرات کشور ترکیه اقامت این گروه را برای مدت ۶ ماه تمدید نمود که از جمله نقطه مثبت این تمديد اقامت بازگرداندن اقامت این گروه به حالت پناهندگی و کد S.T.T.E.Y است، همچنین کلیه این گروه موظف هستند تا هزینه اقامت ۶ ماه برای هر نفر ۲۱۶ میلیون لیره برابر ۱۷۰ دلار را پرداخت نمایند و برای کلیه آنها مجددا مراحل انگشتنگاری، مصاحبه پلیس و عکس برداری انجام خواهد شد.

سازمان ملل شعبه وان معرفی کرده اند و همزمان می بایست خود را به استانداری و پلیس محلی معرفی کنند تا برای آنها تشکیل پرونده و مقدمات ارائه دادن اقامت موقت که جزئی از قوانین دولت ترکیه در مورد پناهندگان است را انجام دهند. این پروسه از سال ۲۰۰۲ به سبب های دیگر Diger برای این گروه متوقف شد و وزارت کشور ترکیه از انجام اینکار خودداری مینمود. دفتر وان سازمان ملل به این گروه در تاریخ ۴-۱۲-۰۳ انجام ندادند.

## یورش اداره مهاجرت استرالیا به مدارس سیدنی را محکوم میکنیم

پناهندگی میدانیم و طلب میکنیم که چنین اعمالی فوراً متوقف شود و دانش آموزان پناهندگان بازداشت شده هر چه زود تر آزاد و به مدارس و زندگی عادی خود بر گردند .

**دفتر فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی سیدنی**

۱۸ مارس ۲۰۰۵

بازداشتگاه ویلا وود انتقال دادند را محکوم میکنیم. ما به دولت استرالیا اعلام میکنیم که این عمل حقوق مسلم انسانی پناهندگی کودکان پناهنده که همانا زندگی کردن و تحصیل در این جامعه است ، را تضییع کرده است . این عمل هجوم به مدارس همینطور حقوق مدنی معلمان را در مدارس زیر پا عمل غیر انسانی و هولناک اداره مهاجرت استرالیا که ناگهان به مدارس اطراف سیدنی ریختند و بچه تهدید مینماید . ما دولت هاوارد استرالیا را مسیول بیرون کشیدن و آنها را به این عمل شنیع غیر انسانی

## پیام تبریک سال نو

فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی (سیدنی) بدینوسیله سال نو را به همگان تبریک و شاد باش میگوید . با آرزوی موفقیت برای تک تک افراد اجازه بدهید تا بهترین آرزوی ما برای همه که همانا بر اندازی حکومت جمهوری جنایتکار اسلامی ایران است را تقدیم همگان بداریم . در سالی که گذشت مردم معترض و 3 به جان آمده ایران بشارت سرنگونی جمهوری اسلامی را داده اند . از جمله مردم و جوانان در مراسم های چهارشنبه سوری در سراسر ایران به خیابان ها ریختند و ضمن رقص و پایکوبی این روز را به اعتراض علیه جمهوری اسلامی بدل

**مرگ بر جمهوری اسلامی**

**فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی واحد استرالیا**

# افق موفقیت در ترکیه و استرالیا

## فرشاد حسینی

### ترکیه

در ترکیه اخیراً وزارت کشور اعلام کرده است که کلیه اقامت‌های پناهندگان موسوم به شمال عراقی را برای ۶ ماه دیگر تمدید می‌کند. نفس تمیدی مجدد اقامت پناهندگان در ترکیه شاید به تنهایی نکته قابل توجهی نباشد. اما آنچه این اقدام وزارت کشور را بمثابة یک افق برای موفقیت های بیشتر و اساسی تر مطرح می‌سازد نحوه اعطای این اقامت‌ها و شرایط جدید اقامت‌ها می‌باشد. برای درک شرایط جدید لازم است نگاهی به تاریخچه این مسئله در گذشته کرد.

موارد متعددی دولت ترکیه اقدام به دستگیری و حتی در مواردی به دیپورت آنان اقدام کرد. دیپورت کریم توژالی و خالد شوقی که هر دو توسط جمهوری اسلامی اعدام شدند، دقیقاً در بطن همین عدم پوشش و حفاظ امنیتی برای پناهندگان میسر شد.

فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی از همان اوائل ورود این پناهجویان کمپین وسیع و قدرتمندی را در حمایت از حق حمایت و اقامت قانونی و انتقال آنان به کشور امن سوم آغاز کرد. تلاش کرد تا خود پناهندگان شمال عراقی را متحد و متشکل کرده و آنها را به مبارزه علیه سیاست‌های غیرانسانی دولت ترکیه و سازمان ملل تشویق و ترغیب کند. در همین رابطه تحصن‌ها و اعتراضات متعددی توسط این پناهندگان در شهر وان ترکیه سازمان داده شد که عملیات با سرکوب پلیس همراه بود. در اثر این فعالیتها، سازمانها و نهادهای مختلفی به اعتراض در آمده و به جنبش حمایت از این پناهندگان پیوسته و به اشکال متنوعی به فعالیت پرداختند. در اثر مجموع فعالیتها و فشارهایی که جنبش دفاع از پناهندگان شمال عراقی‌ها راه افتاد در ابتدا کمیساری پناهندگان سازمان ملل عقب نشینی کرده و در ماه دسامبر ۲۰۰۳ کلیه این پناهندگان را بعنوان پناهنده برسمیت شناخته و در موارد معینی به این پناهندگان کمک مالی کند. اما کماکان تلاش داشت بر سیاست خود مبنی بر عدم کمک و حمایت مالی بهداشتی و انتقال به کشور سوم اصرار ورزد.

در ماه نوامبر ۲۰۰۳ پس از یک مذاکره چند جانبه بین نمایندگان کمیساری پناهندگان ژنو و ترکیه و وزارت کشور و خارج ترکیه، وزیر مهاجرت عراق و معاون وزیر خارجه آمریکا توافق بعمل آمد که واژه و تعاریف متعارف پناهنده را از این پناهندگان برداشته و آنها را بعنوان خارجی بشناسند. بنابراین این توافق، در آوریل ۲۰۰۴ وزارت کشور ترکیه ابلاغیه‌ای برای آنان صادر کرد که در آن نیز به صراحت قید شده بود که به کلیه این پناهندگان اقامت موقت در ترکیه داده می‌شود اما وزارت

کشور به آنها بعنوان پناهندگانی که پرونده شان تحت بررسی است نگاه نکرده و مراحل انتقال به کشور سوم برای آنها اجرا نمی‌شود. مضمون و روح حاکم بر بیانیه کنونی وزارت کشور با بیانیه آوریل ۲۰۰۴ این تفاوت اساسی را دارد که وزارت کشور این بار از این گروه بعنوان پناهنده در اسناد خود نام برده و موضوع انتقال آنان به کشور امن سوم را بعنوان یک موضوع مفتوحه و حتی پیش زمینه تمديد اقامت‌ها عنوان کرده است. مسلماً بیانیه اخیر وزارت کشور با توافقات چند جانبه نوامبر ۲۰۰۳ در تناقض قرار دارد. عملاً گسترش فعالیتهای فدراسیون و سایر جریان‌های مدافع پناهندگی در ترکیه در تغییر این سیاست موثر بودند. کمتر از یکسال با قدرت تشکل و مبارزات متشکل، توافقات مشترک سه دولت آمریکا، ترکیه و عراق و سازمان ملل به آرشیو اسناد تاریخی آنها سپرده شد و در مقابل وضعیت مناسب تری برای پناهندگان شمال عراقی حاصل آمده است. آنچه مسلم است این هنوز پایان کار نیست. تنها بارقه‌هایی از ماحصل یک دوره طولانی مبارزه مدافعان حقوق پناهندگی است. پایان کار ما در خصوص این کمپین معین، انتقال کلیه این پناهندگان به کشور سوم می‌باشد. تا آن روز حفظ اتحاد و انسجام پناهندگان شمال عراقی و گسترش فعالیت‌های فدراسیون در این خصوص اهمیت زیادی دارد.

### استرالیا

دولت استرالیا به یکی از سرسخت‌ترین دولت‌ها که خشن‌ترین رفتارها و سیاست‌ها را در قبال پناهندگان اتخاذ کرده معروف است. سیاست بازداشت پناهنجویانی که بطور غیرقانونی وارد استرالیا می‌شوند بعنوان یکی از خشونت‌بارترین سیاست‌ها در قبال پناهجویان شناخته شده است. این سیاست ضد انسانی و ضد پناهندگی دولت استرالیا اعتراضات وسیع و گسترده‌ای را در استرالیا و در سطح بین‌المللی موجب شده است. در خود استرالیا جنبش عظیمی

در دفاع از پناهجویان در جریان است و دولت استرالیا زیر ضرب و فشار مداوم این جنبش قرار دارد.

هفته گذشته پس از اجلاس کابینه دولت جان هاورد نخست وزیر استرالیا اعلام داشت که به پناهجویانی که مدت طولانی در بازداشتگاه‌های اداره مهاجرت بوده و نمیتوانند به کشور خود بازگردند اجازه اقامت داده و از بازداشتگاه آزاد خواهند شد. جان هاوارد در این خصوص در یک مصاحبه رادیویی اعلام داشت: "ما با دولتهای پناهجویان مذاکره کرده و چنانچه این دولت‌ها از پذیرش پناهجویان شان بهر دلیل سیاسی راززنند و کشورهای دیگری نیز حاضر به پذیرش و انتقال آنان نباشد، به این دسته از پناهجویان اقامت داده و از بازداشتگاه آزاد خواهیم کرد. نخست وزیر استرالیا اعلام کرد ما نمیتوانیم این پناهجویان را برای مدت ۱۰۰ سال در بازداشتگاه آزاد خواهیم کرد. نخست وزیر استرالیا اعلام کرد ما نمیتوانیم این پناهجویان را برای مدت ۱۰۰ سال در بازداشتگاه نگاهداریم. هر چند جان هاوارد مجدداً به دفاع از سیاست سخت‌گیرانه خود در خصوص پناهجویان و به ویژه بازگرداندن قایق‌های حامل پناهجویان به کشورهای مبدأ از همان‌آنها استرالیا، پرداخت. اما همین که نخست وزیر دولت استرالیا اعلام می‌کند نمیتوانیم این پناهجویان را برای ۱۰۰ سال در بازداشتگاه نگاه داریم خود گواه این است که این پناهجویان حاضرند برای ۱۰۰ سال هم شده مبارزه و مقاومت کنند و از حق پناهندگی خود دفاع کنند. این در حقیقت پژواک اعتراض و مقاومت طولانی خود پناهجویان و جنبش اجتماعی گسترده در دفاع از پناهجویان است که دولت را اینگونه مستاصل کرده و وادار به عقب‌نشینی می‌کند.

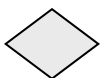
تصمیم جدید دولت استرالیا مبنی بر اعطای اقامت به پناهجویانی که مدت طولانی در بازداشت بودند، خود نمودار شدن افق پیروزی و موفقیت دیگری در استرالیا است. جنبش دفاع از پناهندگی در استرالیا کماکان با قدرت و تا آزادی همه پناهجویان بازداشتی و تعمیر سیستم و سیاست پناهندگی در استرالیا به فعالیت و مبارزه خود ادامه می‌دهد. این عقب‌نشینی دولت استرالیا موقعیت این جنبش و مبارزات پناهندگان را ارتقا بخشیده و توان و پتانسیل و امید به پیروزی نهایی را در دل تک‌تک نیروها و عناصر فعال این جنبش عظیم می‌کارد.

این موفقیت هراندازه محدود باشد موفقیت

بزرگی بحساب می‌آید. بدلیل اینکه این موفقیت در دل یک مبارزه سخت و طولانی و نابرابر با یکی از جان‌سخت‌ترین دولت‌های پناهنده‌پذیر بدست آمده‌است. دولتی که در مقابل انواع فشارها و انتقادات بین‌المللی حتی در مقابل انتقاد سازمان ملل مقاومت کرده و کوچکترین اعتنایی به آن نمی‌کرد. دولتی که در مقابل حاقل خواست وسیع و همگانی جامعه استرالیا مبنی بر آزادی کودکان و سالمندان و بیماران پناهجو مقاومت کرده و حاضر به پذیرش کمترین رفرمی نبود. رئیس این دولت امروز در مقابل افکار عمومی قرار می‌گیرد و می‌گوید نمیتوانیم این پناهجویان را برای ۱۰۰ سال نگاهداریم. در همین جمله اراده مقاوم پناهجویان را میتوان دید. در همین جمله مقاومت متحدانه و منسجم پناهندگان در مقابل بازگشت و دیپورت را میتوان دید. در همین جمله میتوان دید که دولت از یک پدیده و از یک جنبش عظیمی مینالد. برایش جلسه دولتی فرا میخواند و در نهایت تصمیم می‌گیرند سیاست شان را تغییر دهند.

\*\*\*

تجارب اخیر در ترکیه و استرالیا بیش از پیش بر امر ضرورت ادامه مبارزه متحدانه تاکید می‌کند. روند وقایع در این کشورها میتوانست دقیقاً به میل و اراده دولتها پیش رود. اما نرفتند نگذاشتیم آنگونه که می‌خواهند به پناهندگان رفتار کنند. و سرنوشت زندگی پناهندگان را دولتها و براساس منافع اقتصادی و سیاسی و حساب و کتاب سود و زیان اقتصادی تعیین کنند. باید به عنصر فعاله تغییر این روندها بر یک ریل انسانی تبدیل شد. باید این افق موفقیت‌ها را در گستره وسیعتری از جغرافیای زمین گستراند. باید امید و مبارزه متحدانه و متشکل را به تنها نیروی نجات بخش و تغییر دهنده زندگی فلاکت بار امروزی خود دید. فردای زندگی همه ما را تلاش امروز ما تعیین می‌کند. برای برخوردار شدن از فردایی روشن راهی جز اتحاد، همبستگی و مبارزه متشکل زیر پرچم فدراسیون نیست.



## استقبال بی نظیر مردم سوئد از غرقه اطلاعاتی فدراسیون در یوتبوری

با عنوان "از پناهجویان مخفی و بچه هایشان حمایت کنید" و در دفاع از حق پناهندگی پناهجویان ایرانی، از ما حمایت کنید از جمله شعارهایی بود که توجه ها را به خود جلب کرده بود. همچنین میز اطلاعاتی و ضبط صوت با یخش مداوم آهنگهای Life is life و pink fluyd، پرپا کردن دفتر امضا در مورد وضعیت ایران نیز از جمله تراکتها و ماتریالی بود که در این غرقه مورد توجه زیادی قرار گرفت. حتی برای يك لحظه چادر خلوت نمیشد. مردم به طور مرتب می آمدند سؤال میکردند، امضا میکردند و یا کمک مالی می کردند. شرکت پناهجویان در اداره چادر بسیار چشمگیر بود. برخورد سوتدیها بسیار جالب و دلگرم کننده بود. با کمال میل کمک مالی کرده، دفتر را امضا نموده و اظهار میداشتند که ما سوتدیها مثل دولت فکر نمیکنیم. ما دوست داریم

که پناهنده وقتی به اینجا میاید سریع پاسخ مثبت گرفته و در کنار ما به زندگی عادی خود بپردازد. بحث و گفتگو با مردم از همان لحظه دایر کردن چادر، هر روز به مدت ۴ ساعت ادامه دارد. پناهجویان هنگامیکه با چشم خود این حمایتها را میبینند و اینکه برخورد مردم سوئد با سیاست پناهنده پذیری دولت بسیار متفاوت است، امیدشان به آینده صد چندان میگردد. انسان تا داخل مردم نرود و فقط از روی روزنامه و تلویزیون به سرسختی و مقاومت مسئولین دولتی و امور مهاجرت و برخورد آنها به آینده پناهنده و مهاجر نگاه کند، تمام امیدش را از دست میدهد.

فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی در سوئد به سهم خود و از طریق راههای ممکن، تلاش میکند که افکار عمومی جامعه را در مقابل سیاستهای

**دبیر خانه همبستگی، فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی در سوئد**  
۲۴ مارس ۲۰۰۵

## مجمع سالانه اعضای شورای پناهندگان ایرانی در مالمو برگزار شد

روز ۱۹ مارس جلسه سالانه شورای پناهندگان ایرانی در شهر مالمو برگزار قرار گرفت. آنگاه فاضل نادری واقع در جنوب سوئد، با حضور اعضای حاضر در جلسه برگزار گردید. این جلسه با سخنان حسن صالحی دبیر شورا آغاز شد. حسن صالحی سال نورا به حاضرین تبریک گفت و برای همه متقاضیان پناهندگی آرزو کرد که در سال ۱۳۸۴ با اتکا به مبارزه و اتحاد خود موفق به اخذ پناهندگی گردند. سپس طبق روال همیشگی، رییس و منشی جلسه انتخاب شدند. تاتی لاری و فاضل نادری هر یک به ترتیب به عنوان رییس و منشی انتخاب گردیدند. سپس دستور جلسه پیشنهادی به رای گذاشته شد و به

اتفاق آرا مورد قبول شرکت کنندگان قرار گرفت. آنگاه فاضل نادری منشی شورا گزارش فعالیت شورای پناهندگان ایرانی در سال ۲۰۰۴ را ارائه کرد که عرصه های مختلفی و متجمله دفاع از حقوق پناهندگان، فعالیت هایی در زمینه بهم پیوستگی، فعالیت رادیویی و تبلیغی، برگزاری جلسات اطلاعاتی، مبارزه علیه راسیسم و قتل های ناموسی را شامل می شد. این گزارش مورد توجه حاضرین قرار گرفت. پس از آن تاتی لاری خزانه دار شورا گزارش کوتاهی از وضعیت مالی شورا در طول سال گذشته به جلسه داد که حاضرین آنرا مورد توجه قرار دادند. سپس شهاب

بهرامی، بازرس شورا، نتیجه بررسی و تحقیق خود از فعالیت شورا در سال گذشته را ارائه داد که مورد تایید شرکت کنندگان قرار گرفت. جلسه سپس وارد تصویب تغییرات جدید در اساسنامه شورا شد. متن اساسنامه جدید (به زبان سوئدی) بهمره فراخوان و دستور پیشنهادی جلسه قبل در اختیار اعضا قرار گرفته بود. در جریان بررسی اساسنامه جدید، هر پارگراف شفاها به زبان فارسی ترجمه گردید و هر بند جداگانه به رای گذاشته شد. بدین ترتیب اساسنامه جدید در تصویب اعضای حاضر رسید. در قسمت انتخابات این افراد بعنوان هیئت ریسه جدید شورا برگزیده

## چه کسانی باعث مرگ "اوری یالوح" پناهجوی ۲۱ ساله از سیرالئون شدند؟

ادامه از صفحه اول

در محل در نظر دارند، با محاکمه دو پلیس قضیه را فیصله یافته، پرونده را مختومه اعلام کنند. از طرف سازمانهای متعدد مدافع حقوق پناهندگی در شهر دساو روز ۲۶ مارس، شنبه همین هفته، يك مراسم گرامیداشت یاد "اوری یالوح" برگزار میشود و همچنین با ارسال فاکس به مقامات دولت آلمان اعلام شده است. این سازمانها خواهان کالبد شکافی و اعلام دقیق علت مرگ این پناهجوی جوان از سیرالئون هستند. دولت آلمان در نظر دارد، بدون کالبد شکافی جسد را روز ۲۹ مارس به کشور وی بازپس بفرستد و پرونده را مختومه اعلام کرده و این افتضاح سیاسی فرار کند.

طی تماس تلفنی مینا احدی با برگزار کنندگان مراسم گرامیداشت اوری یالوح، از طرف فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی در آلمان همزمان با این مراسم، تظاهراتی در شهرهای مختلف آلمان سازمان می یابد که در اعتراض به این قتل در زندان پلیس آلمان است. ما بهمره سازمانهای مدافع حقوق پناهندگی نخواهیم گذاشت، مقامات دولت آلمان از این واقعه فرار کرده و بدون توضیح علت مرگ و علت آتش سوزی و اینکه دست و

پای این پناهجوی جوان بسته بوده، است، و عملا او به قتل رسیده، این جنایت را سند علنی و رسمی رفتار غیر انسانی با پناهجویان در آلمان کرده و با افشاکری این موضوع دردناک، دولت آلمان را وادار خواهیم کرد رسماً از این رفتار معذرتخواهی کرده و سیاستهای ضد پناهندگی خود را تغییر دهد.

نماینده فدراسیون در مراسم ۲۶ مارس در دساو جزو سخنرانان است و ما در هر شرایطی و از هر تریبونی استفاده خواهیم کرد تا مانع سرهم بندی عجزولانه این واقعه هولناک از سوی دولت آلمان شومیم

در میتینگهای فدراسیون در اعتراض به قتل اوری یالوح شرکت کنید!

محل و ساعت این میتینگها را بزودی اعلام خواهیم کرد.

**همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی - آلمان**  
**تلفنهای تماس:**

۰۰۴۹۱۷۷۵۶۹۲۴۱۳

۰۰۴۹۱۷۲۵۸۷۹۹۹۱

۱- حسن صالحی  
۲- تاتی لاری  
۳- فاضل نادری

همچنین فریاده آرمان و عباس ناصری بعنوان اعضای علی البدل انتخاب شدند. شهاب بهرامی و ناصر شیشه گر نیز به عنوان بازرسین شورا برگزیده شدند.

**همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی واحد مالمو**  
۲۰ مارس ۲۰۰۵

فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی واحد مالمو از



## ما زیادیم، نباید خاموش باشیم! پای صحبت زهرا کاملی

خوانندگان نشریه ما چیست؟

**همبستگی هفتگی:** آرزویت برای

**زهرا کاملی:** پیام من اینست که من

هم مثل شما از ایران فرار کردم. برای

اینکه مخالف قوانین و حکومت بودم.

**زهرا کاملی:** دین دخترم . من آرزو

دارم که دخترم سرنوشتی مشابه من

نداشته باشد. آرزو دارم که او را نزد

انسانی و ظالمانه بود. ۹۰ درصد زنان

در ایران از همین مشکلاتی که من

داشتم، در رنج هستند. پیام من به همه

این زنها اینست که تحمل نکنید. من

مدتها تحمل کردم و همیشه فکر

میکردم با تحمل همه چیز به خوبی حل

میشود. ولی نه تنها چیزی حل نشد که

بدر هم شد. من میگفتم بخاطر زندگی

کردن، سختیها را تحمل میکنم. ولی

دیدم سختیها بیشتر و بیشتر میشود.

بعد تصمیم گرفتم برای زندگی کردن، از

حق خودم دفاع کنم. بخاطر زندگی

کردن، به ظلم و جور اعتراض کنم. بنظر

من حق هر انسانی امروز اینست که

آزاد و شاد باشد. حق هر انسانی است

که در آسایش زندگی کند. هر طور

دلش میخواهد لباس بپوشد و با هر

کس که دوست دارد زندگی کند. آیا

اینها خواسته های بلندپروازانه ای

است؟ من هشت سال سکوت و تحمل

کردم. اما موفق نشدم. الان که

اعتراض میکنم، می بینم کسانی

هستند صدایم را بشنوم، می بینم

زندگی خودم بهتر شده است. بهر طریق

ممکن شما هم اعتراض کنید. ما

زیادیم. و باید زندگی بهتری بکنیم.

مورد انتقاد است.

مورد انتقاد است.

مورد انتقاد است.

مورد انتقاد است.

مورد انتقاد است.

مورد انتقاد است.

مورد انتقاد است.

مورد انتقاد است.

مورد انتقاد است.

مورد انتقاد است.

مورد انتقاد است.

مورد انتقاد است.

مورد انتقاد است.

مورد انتقاد است.

مورد انتقاد است.

مورد انتقاد است.

مورد انتقاد است.

مورد انتقاد است.

و فوراً ترتیب اخراج مرا داده و میخواستند روانه ایران کنند.

**همبستگی هفتگی:** ما با شما

وقتی حرف زدیم که از پلکان هواپیما

پایین آمده و در هیجان کامل بسر

میبردید. احساسات در آن مقطع چه

بود؟

**همبستگی هفتگی:** ممنون از اینکه

این فرصت را در اختیار ما گذاشتید.

اول از اینکه الان آزاد هستید و بهمراه

پدرام میتوانید در خیابان قدم بزنید و

راحت باشید، احساسات را بازگو کنید.

**زهرا کاملی:** من خیلی خوشحالم

که آزادم و خیلی خوشحالم که توانستم

کاری کنیم حکم دیپورت من لغو شود.

در عین حال یک احساس غم عمیق نیز

دارم. یعنی احساس دوگانه دارم. به این

فکر میکنم که چطور ممکن است در

این دنیا با مردم چنین بی رحمانه رفتار

شود. چطور ممکن است زنی مثل من

و در موقعیت مرا در نهایت خونسردی

دستگیر کرده و به زندان و پای سنگسار

بفرستند. من برای کمک خواستن نزد

مقامات دولتی رفتم. رفتم که به آنها

بگویم چرا در آلمان هستم، و چگونه حقم

بعنوان یک زن و یک انسان پایمال شده،

تصور میکردم در کم میکنند. آنها

دستهای مرا بسته و روانه زندان کردند

مانند و با نام او مبارزه در راه حقوق

انسانی پناهجویان، مبارزه در دفاع از

حق مسلم پناهندگی زنان فراری از

جهنم جمهوری اسلامی تثبیت شد. با

خود او حرف میزنیم و ارزیابی او از این

کمپین را جویا میشویم:

**همبستگی هفتگی:** ممنون از اینکه

این فرصت را در اختیار ما گذاشتید.

اول از اینکه الان آزاد هستید و بهمراه

پدرام میتوانید در خیابان قدم بزنید و

راحت باشید، احساسات را بازگو کنید.

**زهرا کاملی:** من خیلی خوشحالم

که آزادم و خیلی خوشحالم که توانستم

کاری کنیم حکم دیپورت من لغو شود.

در عین حال یک احساس غم عمیق نیز

دارم. یعنی احساس دوگانه دارم. به این

فکر میکنم که چطور ممکن است در

این دنیا با مردم چنین بی رحمانه رفتار

شود. چطور ممکن است زنی مثل من

حق پناهندگی حق شناخته شده و مسلم هر

انسانی است. اما اینجا مسئله خیلی حاد تر

میشود. پای حقوق کودک در میان است.

حقوق کودک بر هر حق و حقوق و قانونی

مقدم است. کودک ۱۱ ساله چه گناهی کرده

است که امروز باید قربانی نظام نژاد جهانی

شود. کودکان ۱۱ ساله در آن گوشه دنیا چرا

باید تاوان مماشات دول غرب و دنیای

سرمایه داری را به دولت های ارتجاعی چون

رژیم کثیف جمهوریاسلامی دهند.

کودک به صرف کودک بودنش باید در هر

جای دنیا که خواست زندگی کند. سازمان

ها و نهاد های مترقی دفاع از حقوق کودک

اگر امروز بطور واقعی و فعال در استرالیا

وجود داشت دولت ضد پناهنده و ضد کودک

میکشاند.

اگر کسی نمیگفت که این اتفاق در کجا

افتاده بی گمان همه حس میزدند که این

اتفاق در افغانستان افتاده است یا در

## سازمانهای مدافع حقوق کودک کجا هستند؟! در حاشیه یورش به مدارس کودکان در سیدنی

**بابک شدیدی**

این اقدام وحشیانه در راستای برنامه های

ضد پناهندگی دولت استرالیا معنی

میشود. این بار به کثیف ترین حرکت

ممکن دست زدند. به کودکان بی گناه که

برای تحصیل به محیط آموزشی رفته اند

مانند جانیان سابقه دار حمله ور میشوند.

همین عمل تا سالهای سال میتواند تأثیرات

سوروانی را در ذهن و روان کودکان پناهجو

و همکلاسی های بی گناه آنها ایجاد کرده و

حتی ممکن است هیچ گاه این ضربه روحی

از مغز کودکان پاک نشود.

ساله و ۱۵ ساله پناهجو به مدارس حمله ور

شد. این حرکت شنیع موجی از ترس و

وحشت را نه تنها در دل کودکان بازداشت

شده بلکه در بین هم کلاسی ها و کادر

مدرسه ایجاد کرد. این کودکان که هنوز

نشان آن قدر کم است که حتی تصووری

گنگ و مبهم از زندان، دستگیری و

بازداشتگاه دارند خیلی سریعتر از آنچه

میشد فکرش را کرد به واقعیت کثیف این

دنیا آشنا شدند. این کودکان به بازداشت گاه

ویلاوود انتقال داده شده اند.

دولت دست راستی جان هواردر در استرالیا

این هفته دست به تعرضی دیگر به حقوق

پناهندگی زده است، که در نوع خود کم نظیر

بود. نظام سرمایه داری، پلیس را دستگاهی

برای تأمین امنیت جامعه تعریف میکند.

اما تعریف واقعی آن را باید در مدارس

راهنمایی و ابتدایی استرالیا دید این بار بر

خلاف داستانهایی جنایی پلیسی به آسیب

پلنترین حلقه اجتماعی به جای دسته جات

گانگستر حمله میکند. پلیس استرالیا در

اقدامی وحشیانه برای بازداشت کودکان ۱۱

## پناهندگان زیر آتش وزرای هلند

### کیوان قدیری

بمناسبت سال نو، فرصتی دست داد تا دیداری از Witmursum دهکده ای در شمال غربی هلند و در استان فریزلند داشته باشم که پناهگاه یکصدویست و پنج نفر از پناهجویانی شده است که آنان بخشی از ۲۶۰۰۰ پناهنده ائی هستند موسوم به 26000 gezichten که پرونده آنان برای يك و یا چند بار بسته شده و بنا بدستور (کوا) سازمان مرکزی نگهداری از پناهندگان، مجبور به ترك کیمپهای پناهندگی شده و در خیابانها سرگردان بودند. این افراد عمدتاً توسط اشخاص خیرخواه و با کمک سازمانهای حامی پناهندگی منطقه به این مرکز معرفی و هدایت شده اند. تشکل احزاب و افراد مخالف دولت دست راستی حاکم، با حمایت شهرداری محلی، علناً موج ضد اخراج پناهندگان را برانگیخته و این موج آشکارا به رسانه های گروهی هلند کشانده شده است.

برنامه شبانه تلویزیونی Nova Den Haag van Daag که با دعوت از دولتمردان هلند به کنکاش در مورد مسائل سیاسی حاد روز میپردازد، برنامه های

آقای Buis. که مسئول هماهنگی است در اواخر سال گذشته تلاش فروانی در جهت جلب بیشتر مردم و مقامات دولتی برای کمک مالی به این مرکز حمایتی داشته است و توانست مبلغ (۱۰۰۰۰) ده هزار یورو کمک مالی دریافت کند. وی در دسامبر سال ۲۰۰۴ دعوت نامه ایی برای خانم Rita Ferdonk وزیر مهاجرت هلند فرستاد و از وی دعوت کرد که به این مرکز حمایتی آمده و نزدیک با مشکلات مرکز و ساکنان آن آشنا شود. از آنجائیکه خانم ریتا فردونک اصولاً یکی از مخالفین اصلی طرح نگهداری از پناهندگان است، این دعوت را رد کرده و اظهار داشت که برای وی جلیبیتی ندارد که به یک دهکده کوچک فریزلند بیاید! پس از رد تقاضای بازدید از طرف وزیر مهاجرت، دست اندر کاران این مرکز حمایتی اعلام کردند که بعلت مشکل مالی هیچ تضمینی در ادامه روند نگهداری از پناهجویان وجود ندارد و اگر این مرکز نتواند میزان لازم بودجه ایی که به آن نیازمند هست جذب کند، ناچاراً بسته خواهد شد و به گروهی از پناهندگان اعلام داشته که دیگر قادر به پرداخت پول هفتگی به آنان نیست.

در این میان تعداد پنج خانواده ایرانی نیز ساکن این مرکز حمایتی هستند. عباس که حدود ده سال در هلند بسر میبرد یکی از آنان است و اظهار میگرد: در صورت قطع پول

هفتگی اعتصاب غذا خواهم کرد و اگر تحمل هم به آن میبایند. پیشکش تان باد. گروه همکاری کمپ ویت مارسوم از همینجا از تمام کسانی که به هر نحوی می توانند کمک رسان باشند از صمیم قلب دعوت به همکاری کرده است و قرار است در ماههای آینده با کمک گروههای موسیقی و با اجرای کنسرت زنده و عملاً و علناً به جنگ خانم فردونک و همه هواداران او برود و خواهشمنده است در صورت امکان به جمع آنان پیوندید. و با هر وسیله ممکن دست به افشا گری بزنید.

در برنامه (بازنگری) ۲۶۰۰۰ نفر زیر آتش دو وزیر) که در تاریخ شانزدهم مارس در برنامه Nova مورد بحث بود، طرح پروژه ساختن فیلمهای کوتاه برای ۲۶۰۰۰ پناهنده از طرف دو وزیر مورد حمله قرار گرفت و خانم Rita Ferdonk آن را افراف آمیز تلقی کرد و به سازندگان آن حمله ور شد که آنان از ما سوسید دریافت میکنند و بعد این پول را بر علیه ما بکار میگیرند و این ناقض اصول دمکراسی ماست؟ خانم Agnes Van Araenne وزیر رشد و همکاری آن را نه تنها جالب ندید بلکه آن را مضر روند رشد و همکاری دانست!!

زندگی ۲۶۰۰۰ نفر از انسانهایی که از دیار خود گریخته اند و برای کسب حقوق و آزادی و زندگی بهتر که از اصول اولیه جامعه انسانی است، را جالب توجه نمیدانند و برایشان مهم نیست که چه آینده دهشتناکی در انتظار این گروه از انسانها است.

این دمکراسی به سبک غربی آن است. و چقدر

### چاره پناهجویان وحدت و تشکیلات است.

میکاهد. پس زمانی که انسان در کشورش به هر دلیل اعتقادی و یا فعالیتی که از خود نشان میدهد، از طرف دولت کشورش دشمن شناخته میشود، یا فکر کند، به اجبار میگریزد و بار دیگر هم در هلند به همین مشکل دچار میشود. همه میدانیم که پناهندگی يك حق است و باید گرفته شود و هیچکس غیر قانونی نیست، پس بیاید با هم متحد شده و حق خود را اعاده نمایم و از هویت و شخصیت خود دفاع کنیم.

خبر از وخامت اوضاع حال پناهجویان و از دست دادن سلامت روحی روانی آنان میدهد. هیچکس از پناهنده بودن راضی نیست و کسی هم نمی خواهد پناهنده بماند. همین مورد است که باعث میشود دولت کشورش به او به عنوان يك دشمن بنگرد. وقتی کسی در کشورش به هر دلیلی چه سیاسی - اجتماعی - مذهبی و غیره مجبور به فرار میشود درست به این معناست که از مرگ فرار کرده نه چیز دیگر. ظاهراً دولت هلند این نکته را فراموش کرده است و این نکته ای است که آقای کانتسی از روانشناسان معروف میگوید: یکی از ویژگیهای فرمان فرار این است که مخالفت با آن غیر ممکن است و نمیشود آن را تعریف و تشریح نمود و اصولاً نباید در قبول آن تردید و یا شکی به خود راه داد چون بسیار کوتاه، کامل و گویا است و کندی در دریافت آن از نیروی آن

میکند. مرگ تدریجی - عدم اطمینان به آینده و ترس مضاعف از آینده - احساس بی هویتی و بی هویتی مضاعف به این دلیل که پناهنده يك بار هم در کشور خودش بی هویت شده - احساس سررابودن و بی خاصیت بودن ... و چندین دلیل روانی دیگر و مهم که هر کدام برای خود از لحاظ علم روانشناسی يك مبحث کامل را در بر میگیرد، زندگی پناهندگان را شامل میشود.

هلند منتظر چه عاملی است تا از خواب بیدار شود و بفهمد که اینگونه رفتارها با پناهجویان شرم آور است و شایسته انسانها نیست. انسانهای بیشمار در کشورشان قربانی ترور، چه شخصیتی و چه فیزیکی شده اند. هم اکنون در حال له شدن زیر ماشین قوانین پناهندگی هستند. آمار مراکز پزشکی کمپها

## هلند با ما چه میکند؟

### سید محمد فاضل

هیچ قانونی به اندازه قانون پناهندگی در هلند سیاست زده نیست. سالهاست که احزاب و سیاست مداران از ورود پناهندگان ابراز ناراضی میکنند و مردم را به این عنوان که پناهندگان تهدید بزرگی برای جامعه و حقوق شهروندان هستند بمباران خبری و تبلیغی میکنند. به تازگی سیاستهای سختگیرانه تری در خصوص جلوگیری از ورود پناهجویان و بیرون نگه داشتن آنها و یا اخراج پناهندگان اعمال میکنند. حتی احزاب به ظاهر چپ که شعار بیشتری در خصوص احقاق حقوق پناهندگان سرمیدهند، در

اعمال این قوانین و به رسمیت شمردن آن کمک بسیاری به دولت میکنند. وهر از چندگاهی آنهم برای خالی نبودن عریضه سخنی در ارتباط با حمایت از پناهندگان میگویند.

موقعیت پناهندگان در دهه ۱۰ خیر و بخصوص در این یکی دو ساله بسیار بدتر شده است و دیگر کسی از کارکنان اداره مهاجرت به شعار "همه راست میگویند مگر اینکه خلاف آن ثابت شود" پایبند نیست و در حال حاضر شعار "همه دروغ میگویند مگر اینکه راست آن ثابت شود" پیروی

**اولین شماره نشریه علیه اعداها**  
**نشریه کمیته بین المللی علیه اعداها به سردبیری فرشاد حسینی نشر شد**  
**نشریه علیه اعداها را میتوان در سایت روزنه و سایت کمیته علیه اعداها مطالعه کنید**

# نمایش برابری در میدان شهر استکهلم، ۸ مارس ۲۰۰۵

تهیه کننده سیاهک بهاری

است، یک رنگ - همه ما به رنگ سفید بودیم - با علامت اعتراضی قرمز رنگی در چهره ام، می گویم من برابری را همین حالا می خواهم! آنچه را قوانین اسلامی و نابرابری های اجتماعی از همه ما گرفته است را،

و نابرابری بزرگترین صدمه اجتماعی اش را اول به کارگران می زند، صف اتحادشان را بهم می ریزد و نابودی سرمایه داری را به تاخیر می اندازد. ۸ مارس يك فرصت استثنایی است که من بعنوان يك انسان، نه بعنوان مرد یا زن، بعنوان يك انسان کمونیست در صحنه جامعه پرچم مبارزه برای برابری بین زن و مرد را بلند کنم و زنجیرهای مذهب، سنن عقب مانده و جهالت سرمایه داری را بر دستانم نشان دهم. این نمایش موفقی بود، از انجامش راضیم،



همین حالا می خواهم.

سرمای جانکاه آنروز مانع این نشد که هزاران نفر صدای اعتراض ما به نابرابری را نشنوند! مبارزه با نابرابری کاری تعطیل ناپذیر ماست.

**همبستگی:** محبوبه گوهری یکی دیگر از فعالین فدراسیون در استکهلم است. بسیاری چهره مهربان او را که صندوق کمک مالی برای پناهجویان مخفی را در هر جشن و مراسمی می گرداند را می شناسند. او پای ثابت هر تلاش و طرحی در فدراسیون استکهلم است. بسیاری کارها انگار فقط به او گره می خورد.

**هوشنگ نافدی:** صمیمانه برای خوانندگان همبستگی سلام دارم، خوشحالم که پل بین من و خوانندگان دیگری شدید که نمی شناسمشان، کار ما ساده اما بشدت موثر و پر محتوا بود. من هم مثل سایر دوستان با سر و صورت و لباس سرپای سفید، در سکوی نمایش بودم. من لباس کار سفید داشتم. لباس کار که بگویم خواسته برابری زن و مرد یکی از مطالبات فوری کارگران است. جدای

**محبوبه گوهری:** سلام برای شما و خوانندگان نشریه همبستگی، در هر کجا که هستید. مبارزه برای حقوق انسانی پناهندگان ما را به هم پیوند داده است. خانواده جهانی فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی! درهرکجا که هستند دستشان در دست هم

بشر است. سالهاست که کمونیستها و بالاخره «چپ» جامعه مدرن بشری دارد اینترا فریاد می کشد! منم همین کار را کردم، برای جلب توجه عمومی و اینکه دو ساعت هزاران رهگنر را به ایده، برابری زن و مرد جلب کنم، این ایده را به کمک دوستان عزیزم اجرا کردیم. و نگاه و مشتاق مردمی که در دل آن سرمای جانکاه ساعتها به اصطلاح میخ ما شده بودند و راجع به جزئیات آنچه میدیدند با صدای بلند بحث می کردند برای رضایت من کفایت می کند. ما توانستیم برابری زن و مرد با برجستگی نمایانی در صحنه جامعه مطرح کنیم و کاملاً موفق شدیم.

**همبستگی:** با آرزو صالحی گفتگویمان را ادامه می دهیم: آرزو تو نظرت چیه و کار خودتو چطور می تعریف میکنی؟

**آرزو صالحی:** اول يك سلام بلند برای خوانندگان نشریه همبستگی دارم، من زن گریخته از جهنم اسلام! وقتی طرح را شنیدم و شدنی بودنش را سبک و سنگین کردم، تصویری که فوراً برای خودم ساختم این بود که دید يك جانبه و عقب مانده ای را که با نسبیست فرهنگی برای مردم اروپا ساخته اند، را میشود هدف گرفت.

«زن جهان سومی «لجک بسر و تو سری خوران، وظایف «زنانگی اش» را به جا می آورد. در این نمایش خیابانی دو ساعته فرصت خوبی که دوش به دوش بودن مبارزه زن و مرد برای برابری را نمایش داد. این درعین حال پاسخ و «نه» بزرگ من به قوانین ضد انسانی مذهب و مخصوصاً اسلام هست، که من دست در دست مردی دیگر، با نمایشی نمادین از دستهایی که با هم در یک زنجیر

۸ مارس امسال میدان مرکزی شهر استکهلم شاهد هنرنمایی دو مرد و دو زن هنرمند بود که با ابتکاری ارزنده و بسیار گیرا، با یک رنگ کردن خود، با رنگ سفید و يك علامت تساوی در میان صورت با باندورل بزرگی با نوشته ای به زبان سوئدی: برابری میان زن و مرد همین حالا، روی سکویی که از پیش تدارک دیده بودند و با زمینه دکوری سیاه رنگ که پارچه بسیار بلندی به طول تقریبی ده متر بود، با مشعلهای فروزان در میان سرمای جانکاه قریب دو ساعت ایستادند و جمعیت کثیری را به خود جلب کردند. رهگذران عموماً می پرسیدند چه شده؟ شعار برابری زن و مرد پاسخ فوری به سوال رهگذران کنجای بود که علیرغم سرمای جانکاه می ایستادند و حرکت نمادین این دو مرد و دو زن را مشتاقانه می نگرستند.

با پناهجویان هنرمندی که این حرکت برجسته را تدارک دیده و اجرا کرده بودند، حامی اعتماد، آرزو صالحی، هوشنگ نافدی و محبوبه گوهری در استکهلم، گفتگوی کوتاهی انجام داده ایم که در زیر میخوانید.

**همبستگی:** از حامی اعتماد شروع می کنیم، خودت بگو که ماجرای این طرح زیبا و ساده چطور شروع شد.

**حامی اعتماد:** سلام دارم برای شما و همه آنها که این مطلب را می خوانند. اصل و اساس ماجرا برمی گردد به این که هنرمند کمونیست تعهدش نسبت به مصائب جامعه چگونه بازتاب پیدا می کند! من خودم را با هر شهروند دیگری جدا از جنسیت و ملیت و نژاد و غیره برابر میدانم، در عین حال اصل برابری زن و مرد يك ضرورت فوری برای حل یکی از دردناکترین مصائب تاریخ

است. درمورد نمایش خیابانی دوستانم نکات خوبی را گفتند و کار مرا ساده تر کردند. راستش فکر کنید ۸ مارس بشود و ما درخیابان نباشیم و صدای اعتراضمان را بلند نکنیم؟ اصلاً شدنی نیست! ۸ مارس سال پیش من حجاب سوزاندم و با صدای بلند مذهب و قوانین جاهلانه اش را به مصاف طلبیدم، امثال راستش برای اینکار باز هم طرحی داشتم اما وقتی طرح نمایش برابری را شنیدم دلم رفت که دنبال آن را بگیرم. من هم مثل دوستانم سراپا سفید بودم، دستانم در زنجیری بود که مذهب و قوانین نابرابر جامعه به دست و پای همه می پیچد. من سفید بودم مثل مردان دیگر که مثل من سفیدبودند.

باندورل بزرگ و سرخ برابری بین زن و مرد همین حالا را با دستهای دیگر مردان و زنان بدست گرفته بودم. و راستش در آن دو ساعت، با برادرم که بخاطر همین اعتقادات بدست جلاخان اسلامی اعدام شد، در دلم حرف می زدم، وقتی صدای بلند شعارهای مرگ بر جمهوری اسلامی میدان را تکان میداد، به در ذهنم به برادرم که انگار درکنارم در مقابلم و در همه جا بود می گفتم می شنوی؟ این صدای توهم بود، این پرچمی که من در دست دارم پرچم توهم بود، این زنجیرها بدستان توهم بود. ما می رویم که بازشان کنیم، در این میدان ایستاده ایم که گور نابرابری را بکنیم! و وقتی در میان هلهله مردم از سکوی نمایش پایین آمدیم و شعار میدادیم برابری زن و مرد همین حالا و مشعلهای فروزان را در هوا تکان میدادیم، روزهای بزرگ آزادی مردم ایران درمقابل بود.

**همبستگی:** برای همه شما که این نمایش بزرگ خیابانی را امکان پذیر و اجرا کردید، برای شما که پرچم آزادی و برابری را با این طرح ساده و بشدت دیدنی در مقابل مردم گرفتید، صمیمانه آرزوی موفقیت داریم! به امید دیدارهای بعدی و موفقیتهای بیشتر و کارهای هنری ارزنده از شما عزیزان. دستتان را بگرمی می فشاریم!



# پای درد و دل های پناهجویان در مراسم روز ۸ مارس

## تهیه کننده شمه صلواتی

سال در این کشور چه میگردید؟

من در طول ۹ سال اقامت در آلمان فعالیت سیاسی کردم یعنی فعال کمونیست کارگرم و به طور تشکیلاتی کار می کنم. اما جدا از اینها اجازه بده کمی واقع بینانه تر گپی بزنم. من در ایران جانم در خطر است و پناهجو هستم. آیا به عنوان یک انسان، من حق دارم از یک زندگی برخوردار باشم؟ من این حق انسانی را برای خودم و همه انسانهای دنیا خواهانم. حق حیات و بر خودار از یک زندگی انسانی، این همان چیزی است که ما برای آن مبارزه می کنیم.

شمه: بنظر شما پناهجویان باید چه کار کنند که بتوانند به حق انسانی خود برسند؟ برای رسیدن به هدف چکار باید کرد؟

فریدون: من براین باورم که تمامی پناهجویان در هر کجای آلمان که هستند و علیرغم هر مشکلی که دارند باید دور پرچم فدراسیون جمع شوند. من اعتراف می کنم که تنها اتحاد سازمان یافته ما است که می توانند ما را به حقوق واقعی خود برسانند. مبارزه باید دور یک تشکل رادیکال و منسجمی چون فدراسیون که نیروی مرا صد برابر کرده و پیروزی ما را حتی می کنند.

سرمای زمستان امان چندانی نمی داد دستهایم از شدت سرما سست شده بود از فریدون فرجاد جدا شدم و با یک خانم به گفتگو پرداختم. ابتدا از ایشان خواستم که هرچه از درون دلش بر می خیزد بگوید.

من کلثوم خوشبخت هستم که ابتداء سه ماه در ترانزیت فرودگاه به همراه فرزندم زندانی بودم. چون همانجا جواب ردی گرفتم و دلیلش هم خودم را به کیس شوهرم نسب کرده بودم و حدود یک سال هشت ماه در حایم زندگی می کنم اما این تشخیص را داشتم که به فدراسیون و حزب کمونیست کارگری پیوستم.

و من خیلی سریع کیس خودم یعنی خودم به عنوان یک انسان کیس کمونیست کارگری دادم چون قبلا خودم را به شوهرم نسب کرد بودم چون شوهرم نظامی بود و به همین دلیل هم رد شدم حالا بسیار خوشحالم که با حزب فدراسیون دارم فعالیت می کنم و در تمامی اکسپوینها شرکت میکنم و احساس راحتی و شادابی هم می کنم

شمه: پناهندگان باید چکار کنند که بتوانند جلو این موج ضد پناهندگی را بگیرند؟ راه حل کدام است امروز پناهنده در تنگنا است

وزیر فشار له می شی چکار باید کرد؟ ابتدا اجازه می خواهم که از تجارب عملی خود در قالب یک اتفاق بگویم. اتفاقی که برای زهرا کاملی افتاد. واقعا اگر موفق به دیپورتش میشدند این خانم نه جایی در خانواده داشت نه در میان فامیل و به احتمال خیلی زیاد اعدادم یا سنگسار می

خیابان که کنسولگری جمهوری اسلامی در آن قرار داشت، خیابان بسیار شلوغی نبود. کنسولگری که در آن جاتیان جمهوری اسلامی جای گرفت بودند. مامورانی که سالها در دستگاه اطلاعات جمهوری اسلامی تربیت شده و کارشان بجز ترور و جاسوسی سخا لغان در خارج از کشور وظیفه دیگری نداشتند، در آن جای گرفتند.

ریزش برف به طور پراکنده وجود داشت علرغم سردی هوا شرکت زنان و مردان جوان شاداب خاصی به تظاهرات می داد و وجود چهرهای تازه و استقبال گرم ویی سابقه از این فرا خوان حکم مرگ جمهوری اسلامی را اثبات می کرد و وجود سخنرانیهای واقعی معترضین در محل

حقانیت جنبش برابری طلبی و ظهور یک جنبش بسیار قوی اجتماعی به رهبری حزب کمونیست کاری را اثبات می کرد. آذر ماجدی خود را به تظاهرات رسانید و مورد استقبال گرم تظاهر کنندگان قرار گرفت و از سوی دیگر صدا گرم دختر جوانی که می گفت ما در اینجا جمع شدیم تا بگویم که تصمیم گرفتیم که شما را سرنگون کنیم برنامه یک دنیای بهتر را جایگزین شما سازیم ما در اینجا جمع شدیم که بشارت جمهوری سوسیالیزم باشم و چندین دختر جوان دیگری که شادابی تظاهرات را فراهم کرد بودند سخنرانی کردند.

با دیدن این اوضاع بود که وقت را غنیمت شمردم و با چند زن و مرد پناهجو گفتگویی کوتاهی انجام دادم که توجه شما را به آن جلب می کنم.

مرد مستی در میان تظاهرات توجه مرا جلب کرد به او نزدیک شدم و سر سخن را با ایشان با ز کردم

ابتدا او پرسیدم ما چه انگیزه ای در این تظاهرات شرکت کردی؟

من در این تظاهرات شرکت کردم که نشان دهم من طرفدار آزادی زتم. در این تظاهرات شرکت کردم که به حکومت ضد زن جمهوری اسلامی اعتراض کنم. من به انسانیت اعتقاد دارم و برای اجرای عدالت در ایران بر این باورم که باید انقلاب کرد و جمهوری سوسیالیزم را جایگزین جمهوری اسلامی کرد. چون من بر این باورم هستم که تنها سوسیالیزم است ارزش انسان را به خود انسان باز می گرداند

شمه: ممکن است شما خودتان را معرفی کنید؟

من فریدون فرجاد هستم و ۶۰ سال دارم من در سال ۱۹۹۶ وارد آلمان شدم. اما من تا به حال موفق به گرفتن اقامت نشدم. هنوز در حایم زندگی می کنم و خانواده دارم چهار نفر در یک اتاق زندگی می کنیم، که جالب نیست و بسیار سخت و غم انگیز است. شمه: لطفا توضیح بده که در طول این ۹

کاملا ایزوله شده است. ولی خودم حزبی هستم یعنی با حزب کمونیست کارگری و با فدراسیون هستم. خودم را با فعالیتهایی مانند میز کتاب و جلسه و در کل فعالیتهای حزبی سرا پا نگاه داشتم. شمه: با وجود با این مشکلات میتونی توضیح بدین که فدراسیون باید چکار کند که تمام پناهجو و ایرانیهای که اقامت دارند به دور خودش متشکل کنه و نیرومند تر از گذشته بتواند دفاع کند؟

مهملی فر: بینید آقا در کل فدراسیون خوب کار می کند. یعنی ما درست به نام فدراسیون فعالیت می کنیم. در کل از آزادی زن گرفته تا حزب کمونیست کارگری و جوانان کمونیست با چنگ

و دندان از پناهنده ها دفاع می کنند. ما پیروزیهای مهم و بزرگی به دست آوردیم. نمونونه اش زهرا کاملی بود که نگذاشتیم دیپورت شود. فکر می کنم مشکل اساسی

خود پناهنده ها است که خودشان را به این امکاناتی که هست و این همه انسانهای خوب در فدراسیون و حزب نمی رسانند. واقعا امروز به دلیل این که در فدراسیون و در حزب هستیم، احساس قدرت می کنیم و مطمئن هم هستیم. احساس خطر هم نمی کنیم چون فدراسیون و حزب را حامی جی خودم می بینم.

من ثریا ترکمانی مدت سه سال است در آلمان هستم و امروز را به عنوان روز زن روز تولد خودم می درنم

شمه: ممکن است در رابطه با وضعیت پناهندگی خودتان توضیح بدهی؟ مشکل ما زنان ایرانی شاید اعتماد به نفس لازم را نداریم بهین دلیل چون شوهرم نظامی کار بود من هم خودم را به کیس او وصل کردم و به این اعتبار چون شوهرم رد شد من هم رد شدم. اما حالا با پیوستن به حزب کمونیست کارگری و فدراسیون توانستم به کوهی از واقعیات پی ببرم. و با اعتماد بنفس کامل کیس مستقل خودم را بعنوان یک زن داده ام.

در آلمان می خواهم به ما بپیوندن. من نجیبه مهدوی فر حدود چهار سال و یک ماه در آلمان هستم. یعنی تقاضای پناهندگی کردم و تا حالا از من مصاحبه نکردند. اما ردم کردند. شوهرم دو سال اینجنا است. به نوعی بیماری سرطان مبتلا است. او دادگاهی شد ولی دادگاهش به یازده ستیامبر خورد و رد شد. البته گرفتاریها زیاد است. شوهرم ناراحتی اعصاب به مرضیش اضافه شده و

بعد از تظاهرات در دانشگاه فرانکفورت توسط تشکیلات آزادان زن جشنی بر پا شد بود که من در آن حضور داشتم و با وجود زحمات فراوان محمد امین کمانگر فارق هر از گونه خستگی بر صندلی تکیه داد

بود و شهناز مرتب با شور و شوق فراوان غرق در عالم خود بود با تیریکات فراوان سالن را ترک کردم. اما چه روز و شبی

## همبستگی هفتگی

نشریه فدراسیون  
سراسری پناهندگان  
ایرانی

سردبیر:  
فرشاد حسینی

آدرس های همبستگی:  
سایت اینترنتی:

[www.hambastegi.org](http://www.hambastegi.org)

پست الکترونیکی:  
[ifir@ukonline.co.uk](mailto:ifir@ukonline.co.uk)

farshad-  
hoseini@yahoo.com

تلفن:

0031613940534

فاکس:

0017345386165

## تلویزیون همبستگی

هر سه شنبه ساعت

۲۱.۲۰ تا ۲۲

مشخصات فنی

تلویزیون:

Satellite: Telstar 12

Center frequency:  
12608MHz  
Symbol Rate 19279

FEC:2/3

Polarization: hori-  
zontal

## رادیو همبستگی

هر شنبه ساعت

21/15- 21

طول موج رادیو

۲۱ متر برابر با ۱۳۸۰

کیلوهرتز